

Women, Women's Issues and Women's Language in Simin Behbahani's Poetry

Alilou, S.

Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and
Literature, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia,
Iran

Abbarin, S

Assistant professor, Department of Persian Language and Literature, Urmia Branch, Islamic
Azad University, Urmia, Iran (Corresponding author)

Jalili, F.

Assistant professor, Department of Persian Language and
Literature, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia,
Iran

Abstract

Simin Behbahani is a modern female poet who can be considered one of the leading poets in many aspects of poem. He is a social poet and has devoted a large part of his poetic character to these subjects. Meanwhile, the defense of women's rights and opposition to the masculism and the proposal of a kind of moderate feminism are reflected in his poetry. Women's issues are an important part of the social issues of her poetry, and she is the eloquent language of Iranian women and the representative of women's protest against the masculism and its limitations. Besides this, he has tried to create a feminine language. This feature is seen in the frequent repetition of the word "woman" and words related to the female gender. His belief that the language of women's poetry should be feminine has caused him to include countless parts and elements of women's language in his poetry. Compositions, vocabulary related to women's jobs, words related to women's adornment, and some other words related to women have a wide presence in her poetry and have given a feminine color to his poetic language. The present research has tried to study and analyze the manifestations of these thoughts and also the appearance of female language in Simin's poetry with a descriptive-analytical method. The results of the present research show the colorful presence of women's issues in Simin's poetry and female language components and elements in his poetry.

Keywords: contemporary Persian poetry, Women, females problems, female language, Simin Behbahani.

زن، مسائل زنان و زبان زنانه در شعر سیمین بهبهانی

صدیقه علیلو^۱

سیف‌الدین آب برین^۲

فروغ جلیلی^۳

چکیده

سیمین بهبهانی از شاعران زن نوپرداز معاصر است؛ او شاعری اجتماعی است و بخش بزرگی از هنر شعری خود را به این موضوعات اختصاص داده است. دفاع از حقوق زنان و مخالفت با نظام مردسالار و طرح نوعی فمینیسم میانه‌رو در شعر او نمود دارد. مسائل زنان بخش مهمی از مباحث اجتماعی شعر او را به خود اختصاص داده و او زبان گویای زن ایرانی و نماینده اعتراض زنانه به نظام مردسالار و محدودیت‌های ناشی از آن است. در کنار این او در خلق زبانی زنانه کوشیده است. این ویژگی در حضور تکرار پربسامد واژه زن و واژگان مرتبط با جنس مؤنث، دیده می‌شود. اعتقاد او به اینکه زبان شعر زنان باید زنانه باشد سبب شده تا اجزا و عناصر بی‌شماری از زبان زنانه را در شعرش وارد کند. ترکیب‌سازی‌ها، حوزه واژگانی مرتبط با مشاغل زنانه، واژگان مرتبط با آراستگی و زینت زنانه و برخی دیگر از واژگان زنانه در شعر او حضوری گسترده دارد. پژوهش حاضر تلاش داشته با روشی توصیفی-تحلیلی جلوه‌های این تفکرات و نمود زبان زنانه در شعر سیمین را مطالعه و تحلیل کند. نتایج پژوهش حاضر نشان از حضور پررنگ مسائل زنانه در شعر سیمین و اجزا و عناصر زبانی زنانه در شعر اوست.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر فارسی، زنان، موضوعات زنانه، زبان زنانه، سیمین بهبهانی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

dr.abbarin@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۳

زن ایرانی همواره بعد از مشروطه بیرق عصیان بر ضد نظام مردسالار برافراخته است و خودآگاهی زنان و جستجو برای هویت‌یابی و تلاش برای کسب حقوق‌شان، روندی ادامه‌دار از مشروطه به این سو بوده است. غالب زنان شاعر از آن دوره به بعد در شعر خود مدافع حقوق زنان بوده‌اند و علاوه بر توجه به مسائل زنان سعی داشته‌اند شعری زنانه نیز خلق بکنند که زبان و بیان زنانه، موضوعات و مسائل زنانه و احساس زنانه بخش قابل توجهی از این شعر را به خود اختصاص می‌داد. سیمین بهبهانی را می‌توان از پیشگامان حرکت اعتراض‌آمیز به سلطه نظام مردسالار و از نمایندگان برجسته شعر زن دانست؛ شعری که احقاق حقوق زن و برابری او با مرد را در اولویت خود قرار می‌دهد. سیمین شاعری مبارز است. او از آغازین دوره‌های شاعری خود «هدف شعر خود را مبارزه با ستم و بیان آزادی زنان قرار داد و آزادگی را شرط شاعری دانست» (بهبهانی، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۴). او شاعری معترض است و «کارنامه بیش از چهل ساله شاعری سیمین کارنامه فریاد، اعتراض و جنگیدن با دروغ و بی‌عدالتی است» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۱۶۱). بخشی از این اعتراض به عدم احقاق حقوق زنان است و بخشی از این بی‌عدالتی، بی‌دادی در حق زن ایرانی است. بر این اساس است که سیمین هر جا فرصتی یافته ندای اعتراض و واندسای زن ایرانی را سر داده است. مصائب و مشکلات و مسائل زنان از مهمترین موضوعات شعری او هستند. او شاعری اجتماعی است و «اجتماع و مردم از آغاز شاعری در شعر سیمین جایگاهی ویژه دارد. او هیچگاه در سرودن شعر، خود را از جامعه خویش جدا ندیده و شعرهای او به خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه با دردها و رنج‌های مردم آشنا و شریک است. شعر سیمین به سخنی دیگر از «من» شاعر بیرون است و جنبه دیگر دوستی دارد» (صبور، ۱۳۸۳: ۴۷۵). بر این اساس، درد و رنج زنان به مثابه طبقه‌ای که در جامعه مردسالار نادیده گرفته شده و به حق و حقوقش توجه نشده، در شعر او مطرح می‌شود. او همانطور که «در مقابل نابسامانی‌های اجتماعی قد برمی‌افرازد و سکوت را در چنین جامعه‌ای جایز نمی‌داند» (اقتصادی و سام‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)، در مورد حقوق زنان نیز زبانی گویا دارد و سکوت نمی‌کند و همواره به مسائل و معضلات مرتبط با قشر زن در شعر خود می‌پردازد. سیمین، جانبدار شعر متعهد است؛ شعری که رسالتی اجتماعی داشته و در خدمت اجتماع باشد. او در مورد شاملو که از شاعران روشنگر معاصر است، چنین سروده و رسالت شعر را که جنگ با نادرستی‌هاست گوشزد کرده است:

مگو سخن ز بیماری که شعر تندرست را
به جنگ نادرستی‌ها شهادت هست و پروا نیست
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۰۳۸)

افزون بر نمود موضوعات مرتبط با حقوق زن و موضوعاتی که به نقش زن در اجتماع، اجحاف‌ها و ظلم‌ها که در حق او شده و مخالفت با مردسالاری، سیمین تلاش داشته، زبانی زنانه نیز خلق کند. خلق زبان زنانه نیز در راستای مخالفت با مردسالاری بوده است؛ چرا که زبان زنانه عامل هویت‌بخشی به زن بوده و مایه تفکیک شعر زن و مرد می‌شود. زن دیگر مردانه نمی‌سراید، بلکه در قالب زبان شعری‌اش نیز هویت زنانه را برجسته می‌کند و از سلطه زبان مردسالار می‌گریزد. مقاله حاضر تلاش کرده است تا ضمن پرداختن به موضوعات

مرتبط با زنان در شعر سیمین بهبهانی، زبان شعری او را نیز از لحاظ حضور اجزاء و عناصر زبان زنانه مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در مورد شعر سیمین پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. این پژوهش‌ها بیشتر در قالب مقاله بوده است. مهمترین کتاب در این مورد «گهواره سبز افرا (زندگی و شعر سیمین بهبهانی)» از محمد ابومحسوب است که پژوهشی ارزشمند در ابعاد فکری و هنری شعر سیمین انجام داده است. در کتاب «زنی با دامنی شعر (جشن نامه سیمین بهبهانی)» گردآوری علی دهباشی نیز پاره‌ای افکار و اندیشه‌های سیمین توسط نویسندگان مختلف آمده است. از جمله این مقالات «بازتاب مسائل زنان در اشعار انتقادی و طنزآمیز سیمین بهبهانی» از فرشته احمدی و یوسف نیکروز است که موضوعاتی چون فقر، حقوق اجتماعی و انتقاد از خانه‌نشینی را مورد توجه قرار داده است. مقاله «گرایش فمینیستی در شعر سیمین بهبهانی» نیز ضمن اشاره به مردسالاری جوامع سنتی، دربه‌دري زن ایرانی را در قالب نماد «کولی» شرح و توضیح داده است. در مقاله «ذهن و زبان سیمین بهبهانی» از مهدی شریفیان و اعظم پوینده‌پور هم پاره‌ای ویژگی‌های زبانی و فکری شعر سیمین پژوهش شده است و بیشتر صورخیال در شعر شاعر و معاصر بودن و عناصر عامیانه زبانی شاعر مورد بررسی بوده است. در مورد زبان شعری سیمین نیز مقاله «دیدگاه جامعه‌شناختی زبان در «چلچراغ» سیمین بهبهانی» از رقیه خان‌محمدزاده و شهلا رستمی نگارش یافته که به جامعه‌شناسی زبان زنانه و پاره‌ای ویژگی‌های زنانه زبان سیمین پرداخته است. مقاله «نقد نشانه-معناشناختی اشعار سیمین بهبهانی» از شیرزاد طایفی نیز از دیگر مقالات است که در مورد شعر سیمین نگارش یافته است و با رویکرد معناشناختی تلاش شده است تا نقش نشانه‌ها و روابط بین آن‌ها در انتقال معنا بازکاویده شود. «نقد روانشناختی شعر سیمین» از آرش مشفق و مریم جعفری نیز مقاله دیگری است که در آن به نقد روانشناختی شعر سیمین پرداخته شده و برخی مضامین اجتماعی که ریشه در آسیب‌های روانی جامعه دارد بررسی و مطالعه شده است. پژوهش حاضر تلاش داشته تا با تأکید بر مخالفت سیمین با نظام مردسالار، مسائل و مشکلات مطرح شده مرتبط با زنان را در شعر این شاعر بکاود و همچنین تلاش شاعر برای خلق زبان زنانه به منظور ستیز با زبان مردسالار و حضور و گستره عناصر زبانی زنانه را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد که از این منظر متفاوت با پژوهش‌های دیگر بوده و نوآوری دارد.

۲. مسائل زنانه، دفاع از حقوق زنان، مخالفت با مردسالاری

سیمین در جایگاه شاعری که زنان و خواسته‌ها و نیازهای زنان را در شعر نمایندگی می‌کند، از جایگاه زن، حقوق زنان، مسائل و مشکلات زنان می‌گوید و این مهم را بخشی جدایی‌ناپذیر از شعر این شاعر در همه دوره‌های شاعری‌اش می‌توان دانست.

۱-۲. حقوق زنان و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زن و مخالفت با مردسالاری

یکی از مهمترین موضوعات اجتماعی مطرح‌شده در شعر سیمین بهبهانی و دغدغه‌ها و مشغولیت‌های ذهنی او مشکلات جامعه زنان است؛ او ستم‌های واردشده بر زنان را در بسیاری موارد بازگو می‌کند و صدای زن ایرانی می‌شود. دفاع از حقوق زنان یکی از اصلی‌ترین موضوعات شعری اوست. او در صدد است تا نگرش

جامعه ایرانی را به زن تغییر بدهد و از رنج و درد زنان بگوید. این رویکرد فکری است که سبب می‌شود سیمین در شعر خود سرنوشت زن را به عهده خود او گذاشته و او را صرفاً اهل عاشقی و شیدایی نداند؛ آنطور که در شعر سنتی بازتاب یافته و زن صرفاً در قالب «معشوق» تصویر شده است؛ بلکه حضور او را در اجتماع الزامی دانسته و در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی او را دارای نقشی فعال می‌داند و این را در تقابل با نظام مردسالار و برچیدن مردسالاری الزامی می‌داند:

چو چنگ نغمه ساز فروخواندی	در گوش مرد نغمه همتایی
گفتی که: «جفت و یار توام اما	نی بهر عاشقی و نه شیدایی
این سان که در جبین تو می‌بینم	کرسی‌نشین خانه شورایی
بر سرنوشت خویش خداوندی	در کار خویش، آگه و دانایی

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۹۵)

او به این شکل به تساوی زن و مرد و حق فعالیت اجتماعی زن و استقلال اجتماعی‌اش تأکید می‌کند. او نیز جهل و بی‌سوادی را یکی از اصلی‌ترین عوامل عقب‌ماندگی زنان در فعالیتهای متفاوت اجتماعی می‌داند و برای رشد و تعالی زنان همانطور که پروین ترغیب به سوادآموزی داشت و می‌سرود:

زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست	شاهراه سعی و اقلیم سعادت روشن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن	تا نگوید کس پسر هشیار و دختر کودن است

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۱: ۲۱۸)

ترک جهل و بیرون آمدن از پرده جهل را توصیه می‌کند و بر این است که با آگاهی به حقوق اولیه خود می‌توان برای رسیدن به آن اقدام کرد و بر این اساس اولین گام، بیرون آمدن زنان از تنگنای جهل است و قشر زن باید برای گشودن بند جهل به علم و تحصیل روی آورد:

ای زن به لطف کنون می‌کوش	کز تنگنای جهل برون آیی
بند لطف پای تو می‌بندد	این بند را بکوش که بگشایی

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۹۵)

مخالفت با دیدگاهی که زنان را محدود کرده و از فعالیتهای اجتماعی باز می‌دارد و نگرش مرد سنتی نسبت به زن را آشکار می‌سازد در شعر سیمین دیده می‌شود و سخت مورد انتقاد قرار می‌گیرد. سیمین در شعر کولی آشکارا زن را ترغیب به ابراز هستی و خارج شدن از لاک خویش می‌کند. زن باید بیرون بیاید و فعالیت اجتماعی انجام دهد تا چون سنگواره‌ای در تاریخ به یادگار نماند:

کولی به شوق رهایی، پای بکوب و به ضربش	بفرست پیک و پیامی تا پاسخی بستانی
---------------------------------------	-----------------------------------

بر هستی تو دلیلی باید ضمیر جهان را نعلی بسای به سنگی تا آتشی بجهانی
 اعصار تیره دیرین در خود فشرده تنت را بیرون گرا که چو نقشی در سنگواره نمائی
 کولی برای نمردن باید هلاک خموشی یعنی به حرمت بون، باید ترانه بخوانی

(بهبهانی، ۱۳۶۲: ۴۳)

این ابیات به روشنی نگرش انتقادی شاعر را به دیدگاه‌های مرسوم در مورد عدم فعالیت اجتماعی زن و آزادی او آشکار می‌سازد و سیمین را به عنوان مدافع حقوق زنان نشان می‌دهد. برابری زن و مرد در جمیع عرصه‌ها آرمانی است که سیمین، سخت به آن پایبند است و همانطور که دهباشی نیز بیان کرده: «خاستگاه شعر سیمین، عشق و آرمانگرایی است. عشق به آزادی و برابری به ویژه برابری زن و مرد. او بی آنکه در صدد صدور بیانیۀ سیاسی در شعر باشد شاعری است معترض. او به مدد عشق و با زبان عشق به نابرابری‌ها اعتراض می‌کند» (دهباشی ۱۳۸۳: ۳۲۷). سیمین خواستار بر هم چیدن قوانین مردسالارانه در جامعه سنتی ایرانی و بنیان نهادن طرحی نو است که به زن حق بیشتری قائل شود و او را محکوم و زندانی خود نداند. او بر این است که «زن و مرد ایرانی نیازمند آگاهی ذهنی و تعدیل پاره‌ای از قوانین و تدوین پاره‌ای قوانین است و این امر چنانچه حسن نیت موجود باشد دور از دسترس نیست» (بهبهانی، ۱۳۷۸: ۷۷۸).

علت اینکه سیمین بخشی از شعر و مبارزه خود را به ستیز با نظام مردسالار اختصاص می‌دهد، محدودیتی است که این نظام برای زن ایجاد می‌کند و به سبب سیطرۀ نگاه مردسالار در جوامع جهان سوم و در حال توسعه «مسئله نقد نظام اجتماعی مردسالار مضمون ثابت و نقطه کانونی موضوعات اجتماعی در آثار ایشان است» (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۱۱۰).

شعر «در خانه نشستیم» (۵۲۱-۵۲۲) نیز آن‌چنان‌که ابومحسوب نیز گفته: «گلایه‌ای است از اسارت زن در کنج خانه و دیوارهایش و نیز محکوم کردن نگرش سنتی به زن و ابلیس دیدن او» (ابومحسوب، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۳) است. در این شعر، شاعر از عدم آزادی زنان و فعالیت اجتماعی آنان انتقاد می‌کند. زن، محبوس در چهاردیواری از بسیاری قابلیت‌ها و استعدادهای خود استفاده نمی‌کند و در کنج فراموشی می‌پوسد و آوار می‌شود. شعر با خلق فضایی هولناک از سرخوردگی زن ایرانی در این زندان چهار دیواری؛ درصدد است جامعه‌اش را ترغیب به آزادی زن از این زندان بکند.

او در شعر «زن در زندان طلا» (بهبهانی، ۱۳۸۵: ۹۲-۹۰) نیز خانه و خانه‌نشینی را زندان طلایی برای زن قلمداد کرده و آرزوی خود برای رهایی از این زندان را ابراز داشته است. در این شعر او بر این است که محدودیت‌ها و بند و زنجیرها، روح زن را می‌آزارد و او را افسرده می‌کند، هر چند به ظاهر شاد و خندان دیده شود:

مرا زین چهرۀ خندان مبینید که دل در سینه‌ام دریای خون است
 به کس این چشم پرنازم نگوید که حال این دل غمدیده چون است

(همان: ۹۱)

او از این کاخی که در آن آزادی و استقلال ندارد، بیزار است و رهایی و آزادی را طالب است:
مرا عار آید از کاخی که در آن نه آزادی نه استقلال دارم
مرا این عیش از اندوه خلق است ولی آوخ زبانی لال دارم

(همان: ۹۱)

البته سیمین خود طعم این آزادی را چشیده است؛ اگرچه از زخم زبان‌ها نیز در این فرهنگ مردسالار در امان نبوده باشد. این شرایط، هیچ‌وقت او را از فعالیت اجتماعی باز نداشته است و «معشوق بودن، عاشق بودن، مادر بودن، همسر بودن، خانه‌دار بودن و هر بودن دیگری، سیمین را در جایگاه یک زن، از نقش‌های اجتماعی خود باز نداشته است و این را زندگی و فعالیت‌های او و شعرهایش برای ما اثبات می‌کند» (ابومحسوب، ۱۳۸۲: ۷۴-۷۵). او در هیأت مدافع حقوق زنان، همواره همجنس‌انش را نیز ترغیب به گسستن این بندها می‌کند. او هیچگاه این رسالت اجتماعی خود را فراموش نکرده است. بسامد بالای واژه «زن» در شعر او که بنا به تحقیقی «در کل دیوانش ۲۰۶ بار لفظ زن را با عنوان‌های مختلف مانند زن، مادر، خواهر و ... به کار برده است» (جوکار، ۱۳۸۸: ۲۲۹)، که نشان تعهد به این رسالت اجتماعی دارد. سیمین همچون جامعه‌شناسی باریک‌بین و دقیق، معضلات و نابسامانی‌های زنان را مشاهده کرده که دیگران و بالاخص قشر مرد از آن غافل بودند، چونکه درد آنان نبوده است و با استناد به ضرب‌المثل «زبان لالان مادران دانند» نیز می‌توان گفت «درد زنان، زنان دانند» و بر این اساس درد زنان هر چه بهتر توسط این شاعر زن، درک شده و تصویر شده است. او این معضلات را با زبان شعر و هنرمندانه به تصویر کشیده است.

۲-۲. نگاه ابزاری به زن (زن به مثابه کالا)

از دیگر موضوعاتی که از دید سیمین زن را می‌رنجانند نگاه ابزاری به زن است؛ آن‌گونه که در شعر سیمین مطرح شده زن از این که به او به مثابه کالایی نگریسته شود و نگاه ابزاری به او شود ناخرسند است. او از وضعیت نامطلوب برخی زنان در جامع به شدت انتقاد می‌کند و به‌خصوص معضل بردگی جنسی را سخت می‌نکوهد. بردگی جنسی که از فقر و محرومیت ناشی شده است و زن خود نیز از آن شاکی است. او از زبان این زنان، رنج و درد زنانه و آنچه را در ذهنشان می‌گذرد به زیبایی بیان کرده است:

پُر کس بی‌کسم و زین یاران غمگساری و هواخواهی نیست
لاف دلجویی بسیار زنند لیک جز لحظه کوتاهی نیست

(بهبانی، ۱۳۸۵: ۲۲)

این مردان بوالهوس زن را به مثابه یک شکار فرض کرده و نگاهی انسانی به زن ندارند و دنبال سیطره و سلطه جنسی بر زن و به دست آوردن او برای ارضای امیال نفسانی خود هستند. زن برای این مردان صرفاً ابزار و وسیله‌ای برای فرونشاندن عطش هواهای نفسانی است. او همچنین با تصویرگری بدبختی‌ها و فضای وهمناک و اجبار به تن‌فروشی برخی زنان، جامعه‌اش را به یاری می‌طلبد. هم می‌خواهد نگرش جامعه را نسبت به این

زنان اصلاح کند که به خاطر جبر اجتماعی و فقر و ... تن به این کار داده‌اند و هم از هم‌نوعانش می‌خواهد دست کمکی دراز کنند تا این زنان را از منجلاب بدبختی نجات دهند:

بده آن قوطی سرخاب مرا	تا زنم رنگ به بی‌رنگی خویش
بده آن روغن تا تازه کنم	چهر پزمرده ز دلتنگی خویش
بده آن جام که سرمست شوم	به سیه‌بختی خود خنده زنم
روی این چهره ناشاد غمین	چهره‌ای شاد و فریبنده زنم

(۱۳۸۵: ۲۱۱)

ابومحبوب در مورد این شعر می‌نویسد: «روی‌هم‌رفته این شعر روایتی است از تسلیم و حقارت زن که حاصل فقر است و برای چند درم بیش‌تر به انواع ریاکاری‌های خودفروشانه دست می‌یازد» (ابومحبوب، ۱۳۸۷: ۶۳). در شعر «رقاصه» (بهبهانی ۱۳۸۵: ۵۹-۵۶) نیز او از معضل زنان صحبت می‌کند که در سکوت رقاصه انتخاب می‌شوند. او از خستگی و نفرت رقاصه از این شغل صحبت می‌کند. شعر او زنگ بیدارباشی برای جامعه است تا به زن به صورت ابزار و وسیله خوشگذرانی نگاه نکند. با این همه در شعر واکنش مردان بعد از اظهارات رقاصه که می‌گوید:

کیست؟ بگوید از شما چه کسی هست	تا ز خراباتیان مرا برهاند؟
زندگیم را ز نو دهد سر و سامان	دست مرا گیرد و به راه کشاند

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۵۹)

از پی لختی سکوت، قهقهه‌ای استهزاآمیز است که سبب سرخوردگی و تحقیر هر چه بیشتر رقاصه می‌شود:

گفته دختر میان مجمع مستان	بهت و سکوتی عجیب و گنگ پراکند
پاسخ او زان گروه می‌زده این بود	از پی لختی سکوت... قهقهه‌ای چند

(همان: ۵۹)

۲-۳. تنگ نظری‌های جامعه و زنان

علاوه بر تن‌فروشی، نگاه جامعه ایرانی به «فرزند نامشروع» نیز نگاهی قبح‌آمیز است. فرزند نامشروع همواره «ننگ» در نظر گرفته می‌شود و سیمین در شعر «فوق‌العاده» از این معضل اجتماعی مرتبط با زنان صحبت می‌کند. زن به خاطر این دید نفی جامعه بالاچاره کودک خود را ترک می‌کند؛ چرا که آنطور که در شعر نیز آمده کودک نامشروع ننگ است:

گر به دامان محبت گیرمش	همچو خود آلوده دامانش کنم
ننگ او هستم من و او ننگ من	ننگ را بهتر که پنهانش کنم

(همان: ۶۱)

این نگرش منفی جامعه ایرانی سبب می‌شود زن جگرگوشه خود را رها کرده و بر سر راه بگذارد که پایان آن غم‌انگیز است و دل هر انسانی را به درد می‌آورد:

روز دیگر کودکی بارش خبر می‌کشید از عمق جان فریاد را
داد می‌زد: «آی: فوق العاده آی خوردن سگ کودک نوزاد را»

(همان: ۶۲)

۴-۲. چندهمسری

سیمین در شعر «هو» (همان، ۲۵۸-۲۵۵) به طرح یکی دیگر از مسایل بغرنج اجتماعی زنان، یعنی «چندهمسری» پرداخته، آن را در تضاد با نگرش اخلاقی-اجتماعی خود دیده است. چندهمسری مردان که از نظر شاعر، بسیار منفور تعبیر می‌شود، با تبعات آن در این شعر به تصویر کشیده شده است. با توجه به اینکه «سیمین از حقوق زنان دفاع می‌کند؛ زنانی که مورد بی‌مهری و ناسپاسی شوهر خود قرار می‌گیرند» (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷۳)، در این شعر نیز دفاع از حق زن مهمترین رسالتی است که دنبال می‌کند.

۵-۲. خشونت فیزیکی نسبت به زنان و کودکان

«خشونت فیزیکی» نسبت به زنان و کودکان از دیگر معضلات و مسائل اجتماعی مرتبط با قشر زن است که سیمین در شعر «فعل مجهول» از آن سخن به میان آورده است و از خشونت فیزیکی علیه زنان به دلایل واهی انتقاد می‌کند. بهبهانی با نام نهادن این خشونت به «فعل مجهول» -در معنای کاری که علت آن مشخص نیست- بر بی‌سبب بودن این خشونت تأکید کرده و می‌سراید:

فعل مجهول فعل آن پدری است که دلم را ز درد پر خون کرد
خواهرم را به مشت و سیلی کوفت مادرم را ز خانه بیرون کرد

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۴۸۵)

۶-۲. ازدواج تحمیلی

«ازدواج تحمیلی» و یادکرد سختی مسئولیت زنانه و تحمل زندگی از دیگر معضلات مرتبط با عالم زنانه است. سیمین در منظومه «آنجا و اینجا» (همان، ۱۰۵-۱۰۳) در بندهای آغازین، میانی و پایانی تصاویری سه‌گانه از زن را به نمایش می‌گذارد. در بندهای اول از دلستانی و شوخی و شنگی دخترکی شاداب صحبت می‌کند، در بندهای میانی از عروسی صحبت می‌کند که در عین «فریبایی»، شاد و سخنگو نیست؛ چراکه به ازدواجی تحمیلی تن داده و از این ازدواج راضی نبوده، همسرش فرد مورد علاقه او نبوده است. در بندهای پایانی از مادری سخن می‌رود که خود را از یاد برده و بار مسئولیت خانه‌داری و پرورش کودکان را بر عهده گرفته و شمع شب‌افروز خانه شده است.

۷-۲. تساوی زن و مرد

«تساوی زن و مرد» موضوع دیگری است که در شعر «ای مرد» (همان ۳۸۶) مطرح شده است. سیمین ضمن اشاره به تساوی زن و مرد، زن را یار و یاور و کمک کار شوهر می‌داند و او را در مبارزه شریک مرد در

زندگی می‌پندارد. او این دیدگاه رایج در نظام مردسالار را که مسئولیت اصلی زندگی بر عهده مرد است و زن در درجه دوم اهمیت قرار دارد رد می‌کند و این نگرش مردسالار را نپسندیده و مورد انتقاد قرار می‌دهد و قائل به تساوی زن و مرد است. او با اشاره به ضرب‌المثل معروف «یک دست صدا ندارد» بر این است که مرد بی‌زن زندگی ندارد:

بی‌من قسم به خدا زندگی نبود	جان عزیز بودم و در پیکرت شدم
یک دست بوده‌ای تو یک دست بی صداست	دست دگر به پیکر نام آورت شدم

(همان: ۳۸۶)

۲-۸. طلاق

«طلاق» معضل دیگری است که بیشترین آسیب را به زنان می‌زند. از دید سیمین هوسبازی مرد در بسیاری موارد عامل طلاق و آسیب‌زا برای زن است. او در شعر «بی‌سرنوشت» (بهبهانی، ۱۳۸۵: ۴۹۸-۴۹۶) در مورد زنان و طلاق و بی‌مهری مردان و عدم حمایت قانون از زن سخن به میان می‌آورد.

همبستر دیروز او امروز مردی است	معبود صد سیمین تن از سرمایه و سود
اما چه کس این نکته می‌داند که این زن	همپای او یک لحظه از کوشش نیاسود
آن مرد و آن قصر بلند و آن دل گرم	امروز درها را به رویش بسته دارد
فردا زنی دیگر میان جامه تور	در خانه دیروز او پا می‌گذارد
این بیوه قانونی مردی توانگر	در پیش چشم کور قانون ایستاده
زان مایه و ثروت به نام مهر و کابین	قانون پوشیزی چند در دستش نهاده

(همان: ۴۹۸)

سیمین همچنین از این امر که ارزش زن، ارزشی عاریتی و بسته به شوهر باشد شکوه و شکایت دارد. او به این شکل از عدم استقلال زن انتقاد می‌کند. جامعه مردسالار برای زن هویتی قائل نیست و زن در ارتباط با شوهر معنا و ارزش و هویت می‌یابد و در صورت طلاق، او به موجودی بی‌ارزش و بی‌هویت تبدیل می‌شود. در جامعه مردسالار «هویت زنان در همسر بودن، مادر بودن و خانم خانه‌دار بودن شکل می‌گیرد» (هاید، ۱۳۸۷: ۲۰۳). این دید سیمین را سخت می‌آزارد و بر این است که این نگرش در جامعه باید تغییر یابد:

چه حاصل زین همه سرهای حرمت که پیش پای کبر من گذارند؟

که «او» فردا گرم از خود براند مرا پاس پوشیزی هم ندارند

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۹۲)

در یک جمع‌بندی کلی در مورد ویژگی‌های اشعار اجتماعی سیمین می‌توان گفت که او از زبانی ساده و روان برای انتقال پیام خود به تمام اقشار اجتماع استفاده کرده است. همچنین او با استفاده از تصویرسازی‌های قوی و

تأثیرگذار مفاهیم پیچیده اجتماعی را به ساده‌ترین شکل ممکن بیان داشته است. عاطفه و احساس شاعرانه سیمین با واقعیت‌های تلخ اجتماعی درهم آمیخته است. سیمین با نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی تلاش کرده است تا وجدان اجتماعی مخاطب را برانگیزاند.

موضوعات و مسائل اجتماعی مرتبط با زنان در شعر سیمین بهبهانی							
حقوق زنان و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زن	نگاه ابزاری به زن	تنگ نظری‌های جامعه و زنان	چند همسری	خشونت فیزیکی نسبت به زنان و کودکان	ازدواج تحمیلی	تساوی زن و مرد	طلاق

۳. زبان زنانه و اجزاء و عناصر زبان زنانه در شعر سیمین

تلاش برای خلق زبان زنانه و بیان احساسات با زبانی زنانه بُعدی دیگر از شورش سیمین علیه نظام مردسالار است. زنان در طول تاریخ همواره تحت سیطرهٔ زبان مردسالار سروده‌اند و نوشته‌اند و این سلطه سبب شده است تا نتوانند آزادانه احساسات خود و آنچه را مرتبط با زنان است، بیان کنند و «کم‌اهمیت دانستن احساسات زنانه و خودضعیف‌پنداری زنان باعث شده که در طول تاریخ، زن شاعر تمایل داشته باشد با عنصر مسلط اجتماع یعنی مرد، همانندسازی کند و به مسائلی مهم‌تر از دل‌نگرانی‌های شخصی خود بپردازد و در واقع از طرح آن شرم داشته باشد» (سلدن، ۱۳۸۴: ۲۵۵). این ویژگی سبب شده است تا زبان زنان شاعر نیز مردانه باشد و اجزاء و عناصر زبان زنانه در آن بسیار کم‌رنگ دیده شود. بخشی از تلاش شاعران زن معاصر، معطوف به درهم‌شکستن این سلطهٔ زبانی است و برای این منظور، زنان شاعر تلاش کرده‌اند در بیان و زبان خود، زن بودن خود را به طرُق مختلف نشان داده و علاوه بر اینکه ابایی از کاربرد زبان زنانه نداشته‌اند، در خلق آن نیز کوشیده‌اند. سیمین خود از شاعرانی است که زبان مردانه در شعر زنان را نمی‌پسندد و اعتقاد دارد که: «شعر مرد، سخن عقل است که به زبان دل می‌آید، شعر زن حرف دل است که لباس عقل می‌پوشد. کاش زن از مرد در شاعری تقلید نمی‌کرد هر چه دلش می‌خواست می‌سرود» (بهبهانی، ۱۳۳۰: ۳).

بر این اساس، سیمین با وقوف به سلطهٔ زبان مردانه و آسیب‌های آن، آگاهانه برای بیان احساسات زنانه و خلق زبانی زنانه گام برمی‌دارد. او زن بودن خود را فریاد می‌کشد و ملاحظه‌کاری‌هایی را که حاصل سلطهٔ مردسالاری بوده به کناری می‌نهد. واژگان مرتبط با عالم زنانگی در شعر او بسیارند و حضور واژگان مرتبط با عوالم زنانه و بسامد بالای آن نشانی از زبان زنانهٔ سیمین است؛ چراکه بسامد بالای «عناصری که برچسب «سخن زنانه» دارند باعث می‌شود متن، زنانه محسوب گردد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۸). ذکر این مهم نیز خالی از لطف نیست که زبان زنانه و مردانه تفاوت‌هایی با هم دارند و «از آنجا که واژگان زبان، محملی برای ظهور باورهای ذهنی، تفکرات و احساسات درونی شاعران است، در بسیاری از واژه‌هایی که شاعران زن به کار گرفته‌اند، تمایلات و گرایش‌های جنسیتی مشاهده می‌شود که یک سوی آن، ریشه در تفاوت‌های زیست‌شناختی و سوی دیگر آن، ریشه در نقش فرهنگی و اجتماعی دارد، مثلاً استفاده از واژگانی که مربوط به حوزه‌های بافندگی، خیاطی، آشپزخانه و لوازم خانه هستند به علت پایگاه اجتماعی خاص زنان و فعالیتشان در این زمینه‌ها، در شعرشان ظهور کرده‌اند و از سوی دیگر واژگان مربوط به اندام زنان و بارداری و زایمان از تفاوت‌های

فیزیولوژیکی و زیست‌شناختی مردان و زنان ناشی می‌شوند» (رضوانیان، ۱۳۹۲: ۶۱). زنان بالطبع به سبب روحیات خاص خود زبانی متفاوت دارند؛ چرا که خصایص روانی خاص و همچنین جنسیت و عوامل زیستی، اقتضای زبانی خاص را می‌کند و زنان با ویژگی‌های روانی متفاوت از مردان که روان‌شناسان به آن اشاره کرده‌اند و روحیات و ویژگی‌های زیستی خاص، زبانی متفاوت دارند. به همین خاطر است که می‌توان تفاوت‌هایی بین زبان زنانه و مردانه یافت. بهمنی و باقری در تفاوت زبان زنانه و مردانه و اختصاص برخی واژگان به زنان می‌نویسند: «برخی واژه‌ها و اصطلاحات زنانه‌اند و برخی مردانه. این یک قانون نیست، اما در طول زمان و بر اثر کثرت استعمال برخی واژگان و اصطلاحات زنانه و برخی مردانه شده‌اند» (بهمنی و باقری، ۱۳۹۱: ۴۵). فی‌المثل در شعر پروین بسامد بالای واژگانی همچون مطبخ، ماش، عدس، لوبیا، ماکیان، دوک و برخی واژگان دیگر عناصر زبان زنانه‌اند؛ چرا که زنان بیشتر با این واژگان و مفاهیم سروکار دارند. بسامد واژگان زنانه-یعنی واژگانی که به‌واسطه آن می‌توان فهمید اثر متعلق به یک زن است- در شعر سیمین نیز بالاست. این واژگان، واژگانی‌اند که قراردادهای فرهنگی آنان را زنانه می‌داند.

۳-۱. واژه زن و عناوین مرتبط با آن در شعر سیمین

حضور پررنگ واژه زن و عناوین مرتبط با آن یکی از نشانه‌های زبان زنانه سیمین است. در گذشته «هیچگاه زن را مخاطب و خواننده نمی‌دانستند؛ از این رو، مردان برای مردان می‌نوشتند حتی بهترین زبان را زبان مردانه می‌دانستند و بهترین گفتار را آن می‌دانستند که بیانش مردانه باشد» (علا و فرزاد، ۱۳۹۸: ۱۰۵). یکی از نمادهای زبان زنانه در شعر سیمین حضور پرتکرار واژه «زن»، مادر، خواهر و ... است. طبق پژوهشی این واژگان ۲۰۶ بار در شعر سیمین آمده‌اند (رک. جوکار، ۱۳۸۸: ۲۲۹). این خود نشان از «زن بودن» شاعر و تلاش برای طرح دغدغه‌های زنان و خلق زبانی زنانه است. همانطور که پروین با انتخاب قهرمانان خود از بین زنان و دختران در ضمن طرح مسائل مرتبط با این قشر، تلاش داشت زبانی زنانه را نیز خلق کند، سیمین نیز به این شکل، قصد خلق زبانی زنانه را دارد و ارتباط خود با عالم زنانگی را آشکار می‌سازد. حضور پررنگ واژه زن نشان از آن دارد که سیمین تلاش کرده است در جایگاه یک شاعر و یک زن، دنیای جنس خود را از درون با صداقت به تصویر بکشد. در شعر «معلم و شاگرد» از فقر دخترکی سخن می‌گوید و کتاب نخریدن او و زبان حال دخترک را چنین به تصویر می‌کشد:

چند گویی کتاب تو چون شد	بگذر از من که من نان ندارم
حاصل از گفتن درد من چیست	دسترس چون به درمان ندارم

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۶۵)

و از دلسوختگی خود بر آن دختر بچه سخن می‌گوید:

با همه درد و آشفتگی باز	چهره‌ام خشک و بی‌اعتنا بود
سوختم از غم و کس ندانست	در درونم چه محشر به پا بود

(همان: ۶۶)

خطاب به دختر، نمودی دیگر از زنانگی زبان در شعر سیمین و توجه او به زن است. با توجه به این که در شعر سنتی بیشتر خطاب «ای پسر» به کار می‌رفته، حضور این خطاب خود دال بر توجه شاعران زن معاصر به وارد کردن زن به شعر است:

ای دختر فقیر سیه‌چردهٔ ملیح نام تو ای شکفته گل کوچه‌گرد چیست؟ (همان، ۲۶۴)
واژگان زن، مادر، همسر، دختر و ... بارها و بارها در شعر او آمده است و تعلق خاطر شاعر به عالم زنانگی را بازتاب داده‌اند. نمونه‌های زیر، بخش‌هایی از حضور این واژگان در شعر اوست:

«زن» (بهبهانی، ۱۳۸۵: ۴۴/۴۵ / ۴۴/۴۷ / ۷۴/۲۵۵ / ۲۵۶/۲۶۵ / ۲۹۱/۴۱۵ / ۴۳۲/۴۹۸ / ۴۹۹/۶۰۱ / ۸۷۵/۸۸۲ / ۸۸۸/۹۲۲)

مادر (همان، ۶۰/۶۷ / ۷۳/۷۷ / ۸۳/۸۸ / ۹۱/۹۲ / ۹۳/۲۰۲ / ۲۰۶/۲۷۴ / ۳۵۶/۳۷۲ / ۴۸۵/۴۸۶ / ۷۰۸/۷۳۸ / ۸۹۱/۱۰۰۵ / ۱۰۰۶)

دختر (همان، ۵۶/۵۸ / ۸۸ / ۱۴۷/۱۸۳ / ۲۶۴/۴۳۶ / ۴۸۴/۴۸۷ / ۵۶۷/۵۶)

دخترک (همان، ۵۸/۵۹ / ۱۰۳/۱۰۴ / ۲۶۱/۸۹۰)

همسر (همان، ۴۴/۴۵ / ۸۱/۸۲ / ۳۸۶/۴۹۷)

عروس (همان، ۴۶/۴۷ / ۱۰۳/۱۰۴ / ۱۴۷/۱۴۸ / ۱۷۱/۱۷۲). کمتر شعری از سیمین می‌توان یافت که جنس مؤنث در آن نیامده باشد.

۲-۳. ترکیبات شعری زنانه

ترکیب و ترکیب‌آفرینی در شعر نیز می‌تواند رنگی جنسیتی داشته باشد و حضور ترکیبات خاص به سبب تأثیر جنسیت بوده و نشانگر تمایلات و تمایزات جنسی مؤلف اثر باشد؛ این ترکیبات به بیان و تعریف هستی زنانه و هویت زنانه کمک می‌کنند. این ترکیب‌ها خواه آگاهانه انتخاب و خلق شده باشند و خواه ناآگاهانه، دال بر جنسیت صاحب اثرند و در شکل‌دهی زبان زنانه مؤثر عمل می‌کنند.

در شعر سیمین بهبهانی نیز ترکیب‌سازی مرتبط با زنانگی شاعر است. او ترکیباتی را خلق می‌کند که به روشنی جنسیت زنانه و هویت زنانه او را آشکار می‌سازد و مرتبط با عالم زنانه و روحیات زنانه‌اند. ترکیباتی چون خوابگاه آغوشم، شانه‌های عریانم، سیمِ تنم و ... همه ترکیباتی هستند که نشانگر زنانگی شاعر بوده و زن بودن سراینده شعر را آشکار می‌سازند و شاخصه‌ای برای زبان زنانه‌اند:

بوی نسترن دارد خوابگاه آغوشم رنگ نسترن دارد شانه‌های عریانم

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۲۹۶)

زبان و بیان زنانه در ابیات زیر نیز آشکار است؛ شاعر به زبان زنان سروده و خود را از سلطهٔ زبان مردسالار در سرودن رها کرده است. زبان زنانه، آنچنان نمودی آشکار یافته که هر خواننده‌ای زن بودن شاعر را درمی‌یابد برخلاف شعر برخی زنان سنت‌گرا که چنان مردانه سروده‌اند که تشخیص جنسیت ناممکن است و زنان شاعر مقهور زبانی مردانه و فرهنگی مردانه بوده‌اند:

این گدایان به تمنای جوی سیم تنم چون چنار از سر خواهش همه دستند و تو نه

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۳۳۰)

از تنم فرش هوس بافته خواهند و به عهد رشته صد مرحله بستند و گسستند و تو نه

(همان: ۳۳۰)

این است آن شبی که به ناگاه بوسه زد بر چهر لاله رنگ ز شرم و حیای من

(همان: ۱۷۲)

در غزل «آهوی دستهایت» (همان ۴۴۸) نیز احساس، زبان و بیان زنانه آشکار است. شاعر در این غزل با احساسی زنانه از آنچه تا حدودی تابو بوده سخن می‌گوید و عشق زنانه را مجسم می‌سازد و به وصف معشوق مذکر و رابطه عاشقانه می‌پردازد، توصیفاتی که برای اولین بار در شعر فروغ و در نتیجه سنت‌شکنی او نمود یافت که از معشوقی در شعر خود سخن می‌راند با «ساق‌های نیرومند، خط‌های بی‌قرار مورب، با اندام‌های عاصی و دارای صفت خشونت» (فرخزاد، ۱۳۸۰: ۲۹۲-۲۹۳) که زبان و احساس مردانه را به چالش کشید. سیمین نیز در این مورد، پیرو فروغ است و همانطور که گفته‌اند «ارزش کاری سیمین از آن جهت است که همگام با فروغ، جسارت و هویت زن را در تاریخ ادبیات معاصر اثبات کرد و راهگشا و راهنمای بسیاری از شاعران زن بعد از خود بوده است» (متولی، ۱۳۸۹: ۴۵). سیمین نیز زنانه سروده است. با ترکیباتی که به کار برده زنانگی خود را نشان داده ترکیباتی چون «پرواز بوسه»، «سینه کریم»، «آهوی دست»، «سبزه‌زار زلف» و ... همه نشانگر زبانی زنانه است. این واژگان نمودی از «تن‌نویسی» زنانه‌اند:

ای آبی دو چشم‌ت هفت آسمان دیگر	خندیده در نگاهت رنگین کمان دیگر
پرواز بوسه‌ات را گاه فرود و راحت	جز سینه کریمم کو آشیان دیگر
آهوی دستهایت در سبزه‌زار زلفم	هرگز نشان نبیند از آهوان دیگر
در باورم نیاید دور از تو زندگانی	در پیکرم نگنجد غیر از تو جان دیگر

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۴۴۸)

بیان زنانه در بیت زیر نیز دیده می‌شود؛ زنانگی از واژگان و ترکیبات و توصیفات آشکار است؛ روشن است که سراینده شعر، شاعری زن است که از «لب‌های گیلان»، «لب‌هایی به رنگ گلبرگ ارغوان» و از «مخمل گیسوی» خود صحبت می‌کند و زیبایی و وجوه زیبایی‌شناسی زنانه را به تصویر می‌کشد:

اینک به جای لب‌ها گیلان خشک دارم گیرم که بود روزی گلبرگ ارغوانی

(همان: ۴۶۳)

پنجه غول سرکش ایام	زده بر چهر تو شیاری چند
مخمل گیسوی سیاه مرا	دوخته با سپید تاری چند

(همان: ۲۲۷)

ترکیباتی که مرتبط با عالم زنانگی است در شعر سیمین بیشتر دیده می‌شود و این نشان از سیطره ذهنیت زنانه بر زبان شاعر است؛ چرا که ذهن و زبان مرتبطاند و سیمین نیز به عنوان شاعر زن تلاش کرده تا زبان زنانه را خلق کند.

۳-۳. مشاغل زنانه

از دیگر نموده‌های زبان زنانه در شعر سیمین حضور برخی واژگان مرتبط با مشاغل زنانه در شعر اوست. «فرهنگ پدرسالار، ویژگی‌های زیستی جنسی را به کنش‌های خاص جنسیتی مرتبط می‌کند. همچنین گفتمان پدرسالار ساخت‌هایش را طبیعی و عادی جلوه می‌دهد. بنابراین عادی بودن مردم، به توانایی آن‌ها در پیروی و اجرای این نقش‌های جنسیتی بستگی دارد» (تانگ، ۲۰۰۹: ۵۱). بر همین اساس، با اینکه زنان و مردان در فعالیت‌های اجتماعی به صورت مشترک فعالیت دارند، ولی می‌توان گفت که در برخی زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر مردان مشارکت بالاتری دارند؛ «زنان در زمینه‌هایی مانند خیاطی، بافندگی، آشپزی و آرایش تجربه بیشتری دارند» (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۶۱). به این مشاغل می‌توان «بچه‌داری» و تربیت کودک و برخی مشاغل دیگر را نیز اضافه کرد. واژگان مربوط به این حوزه‌ها و کاربرد آن با بسامد بالا نشان تأثیر جنسیت بر زبان است. ارتباط مادر با کودک ارتباط عاطفی عمیق‌تر بوده و ارتباط مستمری است.

از مهمترین رسالت‌های زنان «مسئولیت خطیرتر تربیت نسل نو، به‌ویژه فرزندان است؛ البته که تربیت آن‌ها وظیفه پدر و مادر هر دو است، ولی بدان جهت که مادر بیشترین نقش را در مراحل تکوین و پرورش شخصیت کودک دارد و زمان بیشتری از انعقاد نطفه تا نوجوانی - و ارتباط نزدیک‌تری - از دادن شیرۀ جان تا بدرقه محبت مادرانه - با فرزند دارد تأثیرگذاری او را صدچنان می‌سازد» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). این عامل سبب حضور گسترده واژه «کودک» و «طفل» و واژگان مرتبط با آن همچون «گهواره» و ... در زبان زنان شده و سبب خلق زبانی زنانه می‌شود. در شعر سیمین واژگانی چون «طفل»، «طفل بازیگوش»، «نوزاد»، «گهواره» آمده و عامل خلق زبانی زنانه شده است. تجارب او از عوالم کودکی و حس مادرانه با این واژگان متبلور شده است و او نازک‌ترین و دقیق‌ترین احساسات مادرانه را در قالب واژگانی زنانه جان بخشیده است.

واژگانی چون دخترک (بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۰۳)، عروسک (همان: ۳۲۳)، گل یخ (۲۲۹)، طفل (۴۱۹)، طفل بازیگوش (۵۲۳)، گهواره، نوزاد در شعر او حضور دارد. حس مادرانه و تجارب زنانه اوست که او را بر آن می‌دارد که «گهواره» و «نوزاد» و دهان خسته به خمیازه باز شده گهواره که به تعبیری هنری «خالی بودن گهواره» از نوزاد است را به تصویر کشد:

گهواره‌ها ز حسرت نوزاد افتخار همچون دهان خسته به خمیازه باز شد

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۴۴۳)

ای آسمان سر خفتن با یار مهربان دارم گهواره کمانت را کی جای خواب خواهی کرد

(همان: ۸۲۳)

تجربیات زنانه از «طفل» نیز در بیت زیر منعکس شده و این تجربه بیشتر مرتبط با عوالم زنانه است که حس و حال کودکانه را بهتر درک می‌کنند و سیمین با بهره‌گیری از تجربیات زنانه خود این حس زنانه را با زبانی زنانه و واژگان مرتبط با زنان بیان کرده است.

چو طفل خانه گم کرده که ترشش بسته راهش را

(همان: ۴۱۵)

«سیری‌ناپذیری طفل بازیگوش» نیز برای زنان بیشتر قابل درک و تجربه است و این تجربه زن شاعر سبب شده با استفاده از واژه «طفل بازیگوش» آن را بیان کند:

گرچه از کار نظربازی دمی غافل نماند سیر از این بازی نیامد طفل بازیگوش چشم

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۵۲۳)

کجا می‌کند چاره‌ای شبی بر ورق پاره‌ای ز خورشید انگاره‌یی چو طفلان کشیدی اگر

(همان: ۵۵۲)

تجربه زنانه در بیت زیر نیز منعکس شده است و نشان بیان عوالم زنانه در شعر است.

آیا تمام شد بازی؟ نه نه نمی‌کنم باور دل همچو طفل بازیگوش فریاد می‌زند «از سر»

(همان: ۸۳۹)

تجربه مرتبط با بچه‌داری در بیت زیر نیز منعکس شده و شاعر تجربه ای زنانه را با زبانی زنانه توصیف کرده است. این تجربه بیشتر مرتبط با مادر است. همه این‌ها نشان از تأکید سیمین بر تجارب زنانه و خلق شعری زنانه دارد که تجارب و واژگان زنانه در آن بسامد بالایی دارند:

دلم چو طفل شش‌ماهه که ناشناس می‌بیند میان گریه می‌خندد به دیدن دگر بارت

(همان: ۹۲۶)

بازتاب تجارب مرتبط با کودک و رابطه کودک و مادری در دو بیت زیر نیز آشکار است؛ بازتاب این تجارب نشان زنانگی سراینده و مرتبط با عوالم زنان است:

خیال روی تو در خاطرم درآویزد چو کودکی که به دامان مادر آویزد

(همان: ۲۰۲)

چون مادر از نوازش و مهرم چه چاره است با کودک نگاه چنین بی‌گناه تو

(همان: ۲۰۶)

علاوه بر این، واژگان مرتبط با دوخت و دوز و خیاطی نیز در شکل‌دهی زبانی زنانه مؤثر بوده‌اند و در شعر سیمین دیده می‌شود که مبنایی برای زبان زنانه اوست؛ چرا که آنطور که اشاره رفت، زنان در فرهنگ ایرانی بیش از مشاغل دیگر به خیاطی مشغول بوده‌اند و تجارب زنان در این مورد بیشتر است و این تجربه در زبان شعری نیز متبلور می‌شود:

برهنه مهرم و دوزم چو او به دامن چرخ سجاف ابر زری هر سحر به سوزن خویش

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۲۰۸)

مخمل گیسوی سیاه تو را دوخته با سپیدی تاری چند

(همان: ۲۲۷)

۳-۴. واژگان مرتبط با زیورآلات زنان

از دیگر واژگانی که نمایانگر زبان و بیان زنانه در شعر سیمین هستند و ارتباط شاعر با عوالم زنانه را آشکار می‌سازند، واژگان مرتبط با زیور و زینت زنانه‌اند که مربوط به جهان فکری-عاطفی زنان هستند. در گفتار زنان واژه‌های مربوط به زیورآلات بسامد بالایی دارند و این یکی از تفاوت‌های زبان مردانه و زنانه است. واژگانی چون «موی‌بند»، «دیبای زربفت»، «گوشوار»، «عقد (گردنبند)»، «سینه‌ریز»، «مروارید»، «گوهر»، «گلوبند»، «نگین»، «آویزه»، مرتبط با عالم زنانه هستند. تکرار بالای آن‌ها در شعر سیمین، زبانی زنانه را شکل می‌دهد. در ابیات زیر سیمین این واژگان را به کار برده است:

گیسوان شب پریشان است چون آشفته‌گان موی‌بند نیلی پولک نشانش را که برد

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۴۴۱)

چنان لرزد دلم در سیم سینه که لرزد سینه در دیبای زربفت

(همان: ۲۸۶)

تا عروس قصه درد تو باشد ساعتی گوشوار از اشک خود آویختم در گوش چشم

(همان: ۵۲۳)

در لاله‌ها چو چهر عروس از پس حریر زینت گرفته‌اند ز آویزه بلور

(همان: ۱۷۱)

بخوان ترانه‌ای از دل که عاشقم کنی از جا نگین عشق در گوشم چو گوشوار بنشانی

(همان: ۸۳۳)

گویی که خزیده تنی در حرمت بستر من چون عقد گسسته ز هم غلتان به شتاب و گریز

(همان: ۵۳۷)

سینه‌ریز گل مریم چون ز شاخه فرو ریزد خوشه گل مروارید گوشوار تو خواهد شد

(همان: ۵۳۸)

ز قطره‌های پیوسته روان ز چشمم آهسته به آسمان گلوبندی ز نستر فرستادم

(همان: ۱۱۰۹)

آیا بهار جاویدم کز دشت بارور خیزم یا خود عروس خورشیدم کز بستر سحر خیزم
(همان: ۷۷۷)

نهفته در چشمانم دو عقد گوهر دارم گسسته در دامانم هزار و یک مروارید
(همان: ۸۱۵)

بهار باز گلپوشی نگین ژاله در گوشی چه قصه رفته با چشمم چرا تو را نمی بینم
(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۱۰۴)

شبنم مهربانی شد شبنم همزبانی شد غزل در سلامت شد چو آویزه در گوشم
(همان: ۸۵۱)

مانند کردن کهکشان به «سینه‌ریز» نیز نشان نگاهی زنانه است؛ چرا که «سینه‌ریز» یکی از زیورهای زنان بوده و زنانگی شاعر و تلاش برای تشخیص زنانگی سبب شده است تا کهکشان را به «سینه‌ریز» مانند کند:
آسمان خالی است خالی روشنانش را که برد؟ تاج ماهش سینه‌ریز کهکشان را که برد؟

(همان: ۴۴۱)

۳-۵. دیگر واژگان مرتبط با عالم زنانه

زبان و بیان، توصیفات و تصاویر در ابیات زیر نیز زنانه است و زبان زنانه شاعر آشکار است. «چادر»، «عروس»، «دختر»، «ساقدوش» و توصیف مراسم عروسی مرتبط با روحیاتی زنانه است. شاعر با نگرشی زنانه، سرسبزی برگ و شاخه را به مثابه چادری سبزرنگ بر بلندای سرو و کاج دیده و مسجد و گنبدش را به «عروسی با حیا و سرد و خاموش» مانند می‌کند. گلدسته‌ها نیز به «ساقدوش‌ها» مانند می‌شوند. زبان و ذهنیتی زنانه در توصیف و بیان و تصویر آشکار است و تأکید بر زبان زنانه و خلاقیت با روحیات زنانه، این بیان زنانه را شکل داده است:

سروها و کاج‌های سبزگون	ایستاده در شعاع سرخ‌رنگ
سبزپوشان کرده بر سر گویا	پرنیانی چادر سرخ قشنگ
سوده شنگرف می‌پاشد سپهر	بر سر کوه و درخت و خاک و سنگ
مسجد و آن گنبد مینایش	چون عروسی باحیا سرد و خموش
در کنارش نیلگون گلدسته‌ها	همچو زیبا دختران ساقدوش

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

واژه «چادر» به عنوان واژه‌ای زنانه در بیت زیر نیز به کار رفته و سیمین مرتبط با روحیات زنانه‌اش با آن نیز تصویری آفریده است:

مهر بر سر چادر ماتم کشید آسمان شد ابری و تاریک و تار

باز خشم آسمان کینه توز باز باران باز هم تعطیل کار

(همان: ۲۵۹)

واژگان بیت زیر نیز روحی زنانه را در درون خود نهفته دارند؛ واژه «عروس»، «حریر»، «زینت»، «آویزه» بلور» که بیشتر واژگانی مرتبط با زیور دوستی زنانند و در زبان زنان بسیار پرکاربردتر از مردان است و واژگانی مرتبط با عوالم زنانگی‌اند:

در لاله‌ها چو چهر عروس از پس حریر زینت گرفته‌اند ز آویزه بلور

(بهبهانی، ۱۳۸۵: ۱۷۱)

حضور دیگر واژگان مرتبط با عالم زنانگی نیز نشان از تمایل سیمین برای شکل‌دهی زبانی زنانه در شعر دارد.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهشی در شعر سیمین بهبهانی این نکته را آشکار می‌کند که سیمین تمایلات زنانه خود و زن بودن خودش را در شعر پنهان نداشته است؛ بخش مهمی از مباحث اجتماعی در شعر او مرتبط با زنان، حقوق زنان، مشکلات و مسائل زنان است که او را بدل به صدای زن ایرانی کرده است. او منتقد جامعه مردسالار است و از محدودیت‌هایی که از این بُعد متوجه زنان شده، به شدت انتقاد کرده است. آسیب‌هایی را که متوجه قشر زن از این بعد است به تصویر کشیده و چهره کریه سلطه این نگرش را برملا می‌کند. در کنار این، او زنانه می‌سراید و حرف دل خود را می‌گوید. در وارد کردن اجزا و عناصر زبان زنانه در شعر موفق بوده است و همچون بسیاری شاعران زن سعی نکرده است تا مردانه بسراید و بالعکس تلاشش این بوده تا زبانش خصلت زنانگی خود را حفظ کند. از این منظر است که می‌توان جلوه‌های زبان زنانه را به شکلی پررنگ در شعر او دید. واژگان و ترکیبات مرتبط با عالم زنانگی، روح و روان و احساس زنانه، شیوه زیست زنان و مشاغل مرتبط با زنان، علاقه‌مندی‌های زنان و واژگان مرتبط با آن همچون زیور و زینت و اسباب آراستگی زنانه و دیگر واژگان مرتبط با عالم زنانگی را در شعر او می‌توان دید. از این لحاظ است که تلاش او برای خلق زبان زنانه و وارد کردن اجزا زبان زنانه در شعر را نیز می‌توان به منظور مخالفت او با مردسالاری تبیین و توجیه کرد.

منابع و مراجع

۱. ابراهیمی، مختار (۱۳۹۲)، «گرایش فمینیستی در شعر سیمین بهبهانی»، مجله زن و فرهنگ، ش. ۱۶، صص. ۶۹-۸۱.
۲. ابومحسوب، احمد (۱۳۸۲)، گهواره سبز افرا، تهران: ثالث.
۳. اعتصامی، پروین (۱۳۸۱)، دیوان اشعار، با مقدمه ملک الشعرای بهار، به کوشش حسن احمدی گیوی، تهران: نشر قطره، چاپ ششم.
۴. اقتصادی، عاطفه و سام خانیانی، علی اکبر (۱۳۸۹)، «بازتاب برخی ناپسامانی‌های اجتماعی در اشعار سیمین بهبهانی»، نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان رشته‌ای: صص. ۲۲۳-۱۹۶.
۵. بهبهانی، سیمین (۱۳۳۰)، سه تار شکسته، تهران: علمی.
۶. بهبهانی، سیمین (۱۳۶۲)، دشت ارژن، تهران: زوار.
۷. بهبهانی، سیمین (۱۳۷۷)، جای پا تا آزادی، تهران: نیلوفر.
۸. بهبهانی، سیمین (۱۳۷۸)، یاد بعضی نفرات، تهران: نشر البرز.
۹. بهبهانی، سیمین (۱۳۸۵)، مجموعه اشعار، تهران: نگاه، چاپ سوم.
۱۰. بهمنی، یدالله و نرگس باقری (۱۳۹۱)، «مقایسه زبان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد»، فصلنامه زن و فرهنگ، ش. ۱۱، صص. ۴۳-۵۹.
۱۱. جوکار، الهام (۱۳۸۸)، زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج.
۱۲. حبیبی، علی اصغر؛ احمدی چناری، علی اکبر؛ بهمدی، زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی درونمایه‌های مشترک در شعر فروغ فرخزاد و سعادت‌الصباح (با تکیه بر رویکرد زنانه)»، نشریه ادبیات تطبیقی، ش. ۱۱، صص. ۹۵-۱۱۷.
۱۳. دهباشی، علی (۱۳۸۳)، زنی با دامنی شعر (جشن‌نامه سیمین بهبهانی)، تهران: نگاه.
۱۴. رضوانیان، قدسیه و سروناز ملک (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر جنسیت بر زبان شاعر معاصر»، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، ش. ۳، صص. ۷۰-۴۵.
۱۵. سلدن، رمان (۱۳۷۲)، راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۱۶. علا، شراره و فرزاد، عبدالحسین (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی قبل و بعد از انقلاب»، مجله زیبایی‌شناسی ادبی، ش. ۴۰، صص. ۱۲۲-۱۰۵.
۱۷. فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: علمی.
۱۸. فرخزاد، فروغ (۱۳۸۰)، به آفتاب سلامی دوباره کن (منتخب پنج دفتر)، تهران: سخن.
۱۹. مدرسی، یحیی (۱۳۸۷)، درآمدی بر جامعه‌شناختی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. هاید، جانت شیلی (۱۳۸۷)، روان‌شناسی زنان، ترجمه اکرم خمسه، تهران: آگه و ارجم.

21. Tong, R. (2009). **Feminist Thought: A More Comprehensive Introduction**. Colorado: Westview Press.

References

1. Abu Mahboub, Ahmad (2003), *The Green Cradle of Maple*, Tehran: Salesh.
2. A'la, Sharareh and Farzad, Abdolhossein (2019), "A Study of the Relationship between Language and Gender in Six Contemporary Persian Novels Before and After the Revolution", *Journal of Literary Aesthetics*, Vol. 40, pp. 105-122.
3. Bahmani, Yadollah and Narges Bagheri (2012), "Comparison of Language in the Works of Simin Daneshvar and Jalal Al-Ahmad", *Women and Culture Quarterly*, Vol. 11, pp. 43-59.
4. Behbahani, Simin (1998), *Footsteps to Freedom*, Tehran: Niloufar.
5. Behbahani, Simin (1999), *Memory of Some People*, Tehran: Alborz Publishing.
6. Behbahani, Simin (2003), *Dasht-e-Arjan*, Tehran: Zavar.
7. Behbahani, Simin (2006), *Collection of Poems*, Tehran: Negah, Third Edition.
8. Behbahani, Simin (2011), *Broken Setar*, Tehran: Elmi.
9. Dehbashi, Ali (2004), *A Woman with a Poetic Skirt* (Simin Behbahani Festival), Tehran: Negah.
10. Ebrahimi, Mokhtar (2013), "Feminist Orientation in Simin Behbahani's Poetry", *Women and Culture Magazine*, Vol. 16, pp. 69-81.
11. Ektahani, Atefeh and Sam Khaniani, Ali-Akbar (2009), "Reflection of Some Social Disorders in Simin Behbahani's Poetry", *First National Conference on Persian Literature and Interdisciplinary Research*: pp. 196-223.
12. Etesami, Parvin (2002), *Divan of Poems*, with an introduction by Bahar, edited by Hassan Ahmadi Givi, Tehran: Qatreh Publishing, sixth edition.
13. Farrokhzad, Forough (2001), *Greet the Sun Again* (Selected from Five Volumes), Tehran: Sokhan.
14. Fotohi, Mahmoud (2011), *Stylistics (Theories, Approaches and Methods)*, Tehran: Elmi.
15. Habibi, Ali Asghar; Ahmadi Chenari, Ali Akbar; Bahmadi, Zahra (2014), "A Comparative Study of Common Themes in the Poetry of Forough Farrokhzad and Saad al-Sabah (Focusing on the Feminine Approach)", *Comparative Literature Journal*, Vol. 11, pp. 95-117.
16. Hyde, Janet Shibli (2008), *Psychology of Women*, translated by Akram Khamseh, Tehran: Ageh and Arjam.
17. Jokar, Elham (2009), *Women in the Poetry of Parvin Etesami, Simin Behbahani and Forough Farrokhzad*, Master's Thesis, Persian Language and Literature, Yasuj University.
18. Modaresi, Yahya (2008), *An Introduction to the Sociology of Language*, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
19. Rezvanian, Ghodsieh and Sarvonaz Malek (2013), "A Study of the Effect of Gender on the Language of a Contemporary Poet", *Poetry Study Journal (Bostan Adab)*, Vol. 3, pp. 45-70.
20. Selden, Raman (2003), *A Guide to Contemporary Literary Theories*, translated by Abbas Mokhbar, Tehran: Tarh No.